




عنتق بینهان
همینتته مخفی
نمیمونه

مترجم
Parniya


ادیتور
Nascosto & MDDBR

آپلودر
Artmis



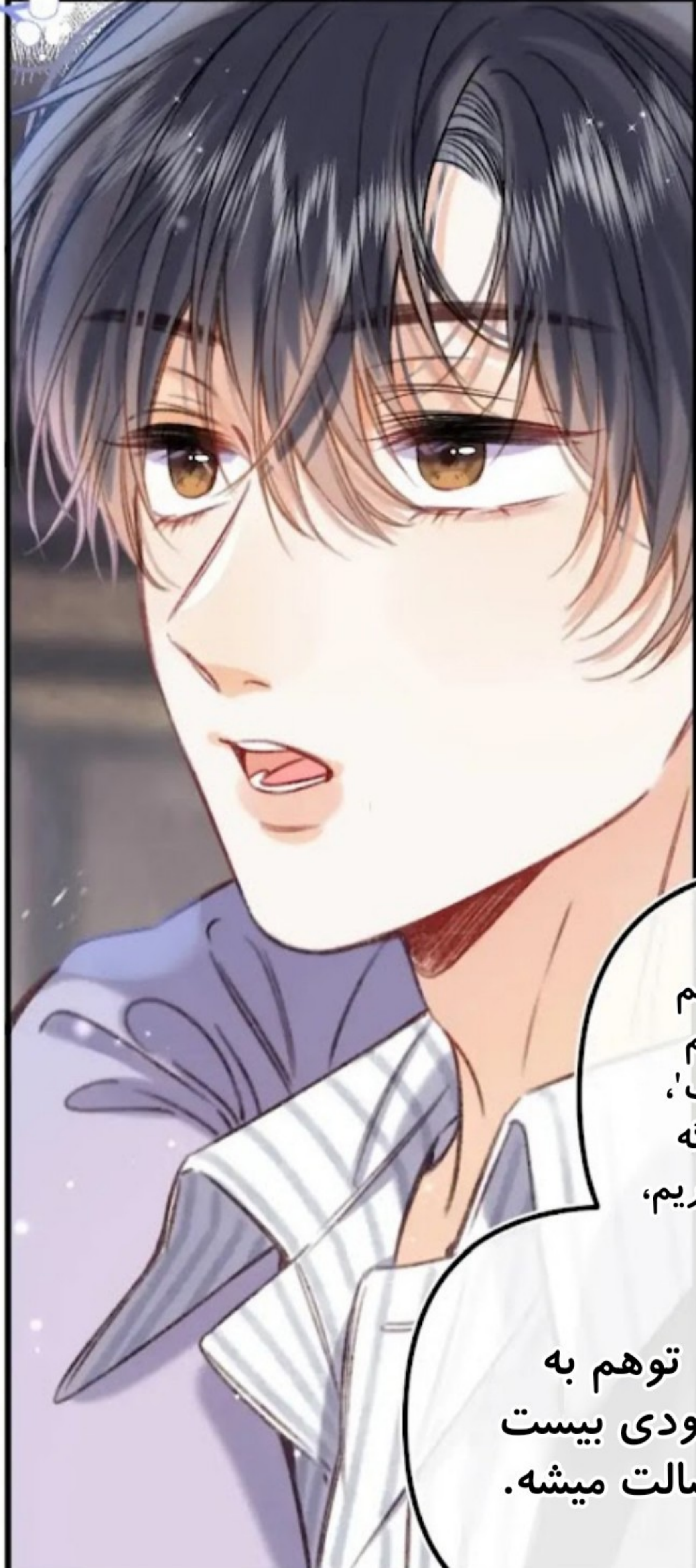
ژی ژی
قبول کرد.

برادر هنوزم
شرایط لازم رو
داره، مگه نه؟




دیگه ته جیبم شپش
پر نمی زنه، وضع
مالیم خوبه تازه
خوشگلم هستم.

فوقش فقط یکم
ازت بزرگ ترم.



وقتی من ۲۰ سالم
بود تو همش بهم
می گفتی 'بابابزرگ'،
'پیرمرد'، الانم اگه
تقریبی در نظر بگیریم،

توهم به
زودی بیست
سالت میشه.



خب پس سانگژی
کوچولومونم دیگه
داره پیر میشه~



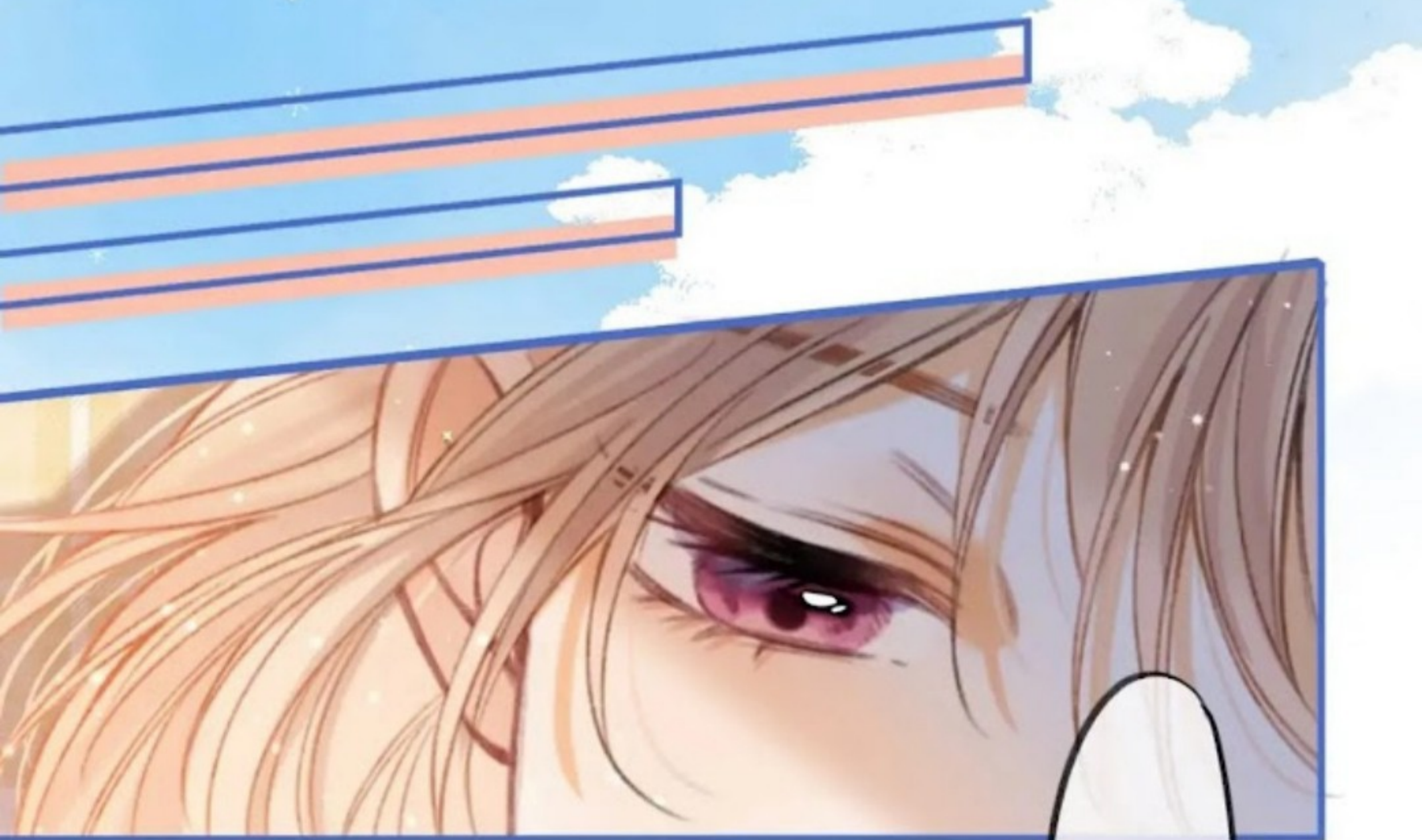
پول بیشتری جمع می‌کنم
برات آبنبات می‌خرم،
می‌تونی هرچقدر دوست
داستی آبنبات بخوری.

این جوری منو
می‌بخشی...

که با وجود اختلاف
سنی مون، می خواستم
باهات رابطه عاشقانه
داشته باشم.

باشه؟

偷偷藏不住
Hidden Love



...



Sharp Pain

دیشب...


عوقت

یہو خاطرات کو فتمیم بہم ہجوم آوردن!

AHHH!!!


سانگزی،

بیدار شدی~




ژی ژی ژی ژی، اونی
که دیشب آوردت
خوابگاه دوست
داداشت بود

خیلی
جذاب بود!




اولش گفتم خیلی
حرف تو جدی نگرفتم
ولی خودم دیدمش
فهمیدم چقدر راست
می گفتم!



هعی، پیش
دوست پسر،
دوست پسر شبیه
اوران گوتانه.

تازه، تمام مدت
اونجا نشست و
مراقبت بود، تازه
موند تا ما برگردیم
بعد رفت.



بادمجون آدم خوار
فضاییم اگه یه بار
دیگه الکل بخورم.



مگه چی شد؟ نکنه
وقتی مست بودی
اعتراف کردی؟

یا شایدم
بوسیدیش؟

اینو از کجات
درآوردی؟ کم چرت
بگو سرم رفت!

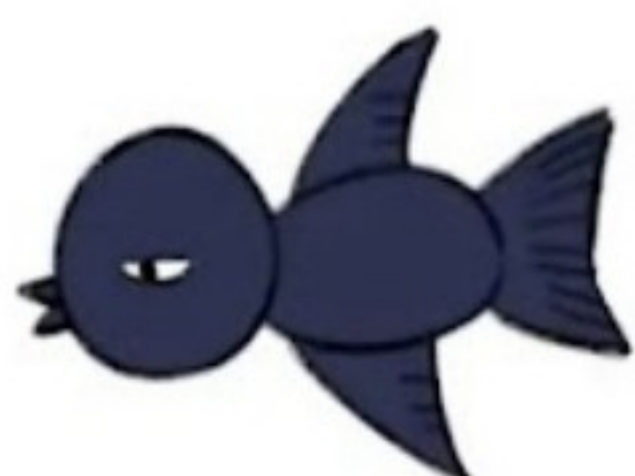
پس چی
کردی؟
راستشو بگو.





من... من

روش بالا
آوردم.



پس برای همینه که
دیروز حس کردم
بو گند میده...

فقط بهمون گفت
کمک کنیم لباستو
عوض کنی.

اصلا چیزی
راجب گندی
که زدی نگفت.

تازه اصلا ازت
دوری هم نمی کرد.

کلا اخلاقش
همین جوریه،

شاید اگه رو کلشم
میاوردم بالا عصبی
نمی شد...

PERFECT Man~

باید سر فرصت
ازش عذرخواهی
کنم...



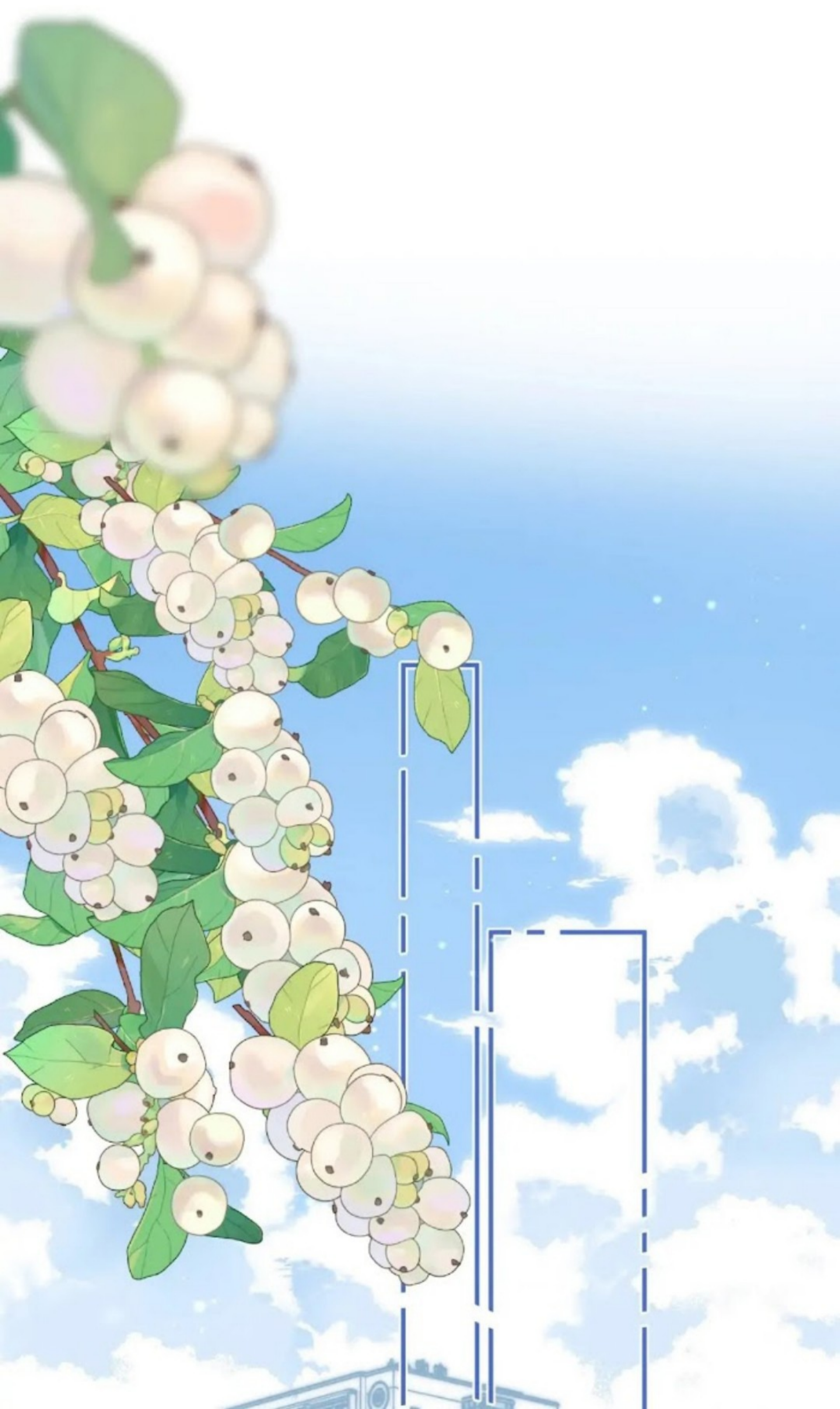
برادر شماره ۲

به هم اتاقیات گفتم ساعت ۹ بیدارت کنن.

بلیطای امروز همه فروش رفتن، پس به نفعته به موقع
بیدارشی وگرنه پروازبی پرواز.

بیدارشدی یادت نره آب زیاد بخور، ساعت ۱۰
میام دنبالت بریم فرودگاه.

باشه.









صبح بخیر،
برادر.



هوممم.

صبح بخیر.



دیروز یکم
زیاده روی
کردم...

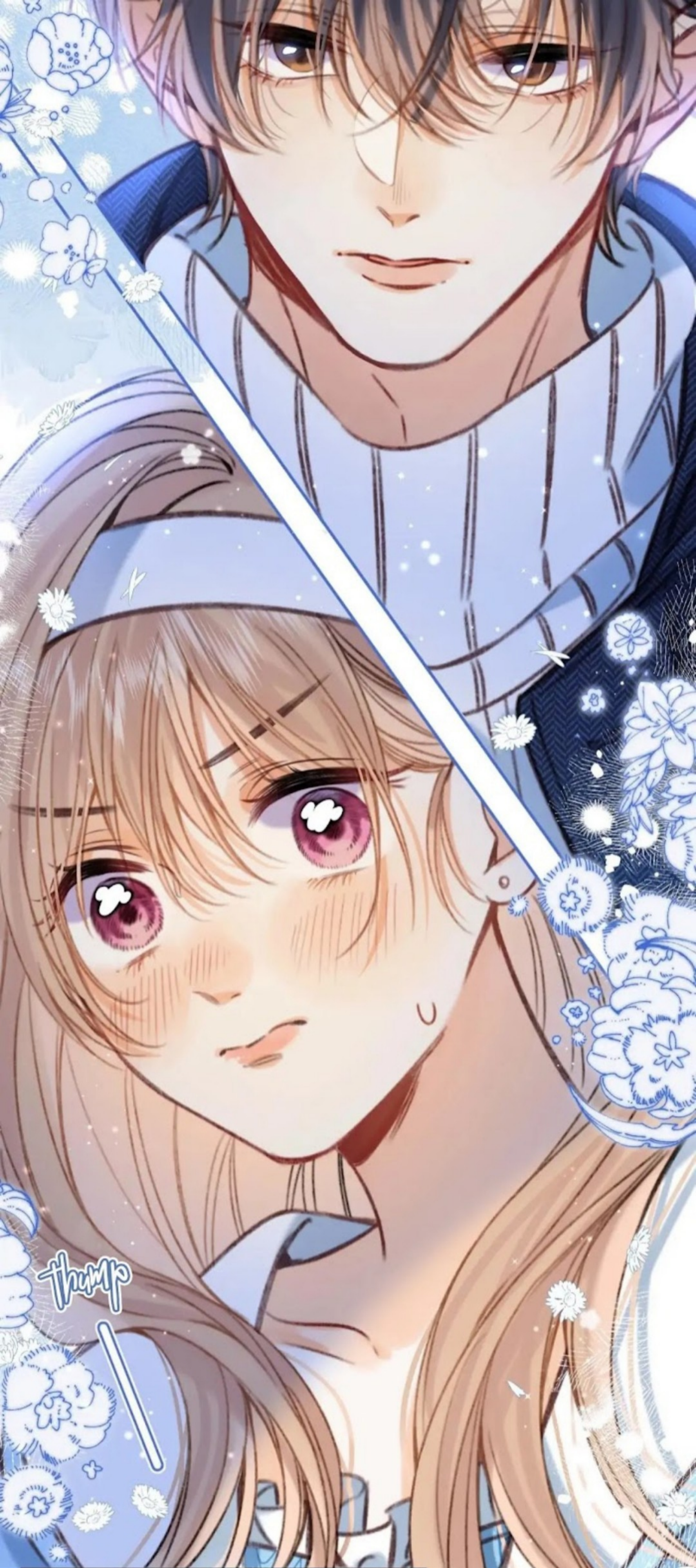
و گند زدم به
لباست...

واقعا متاسفم،
برادر...





LEAN



thump

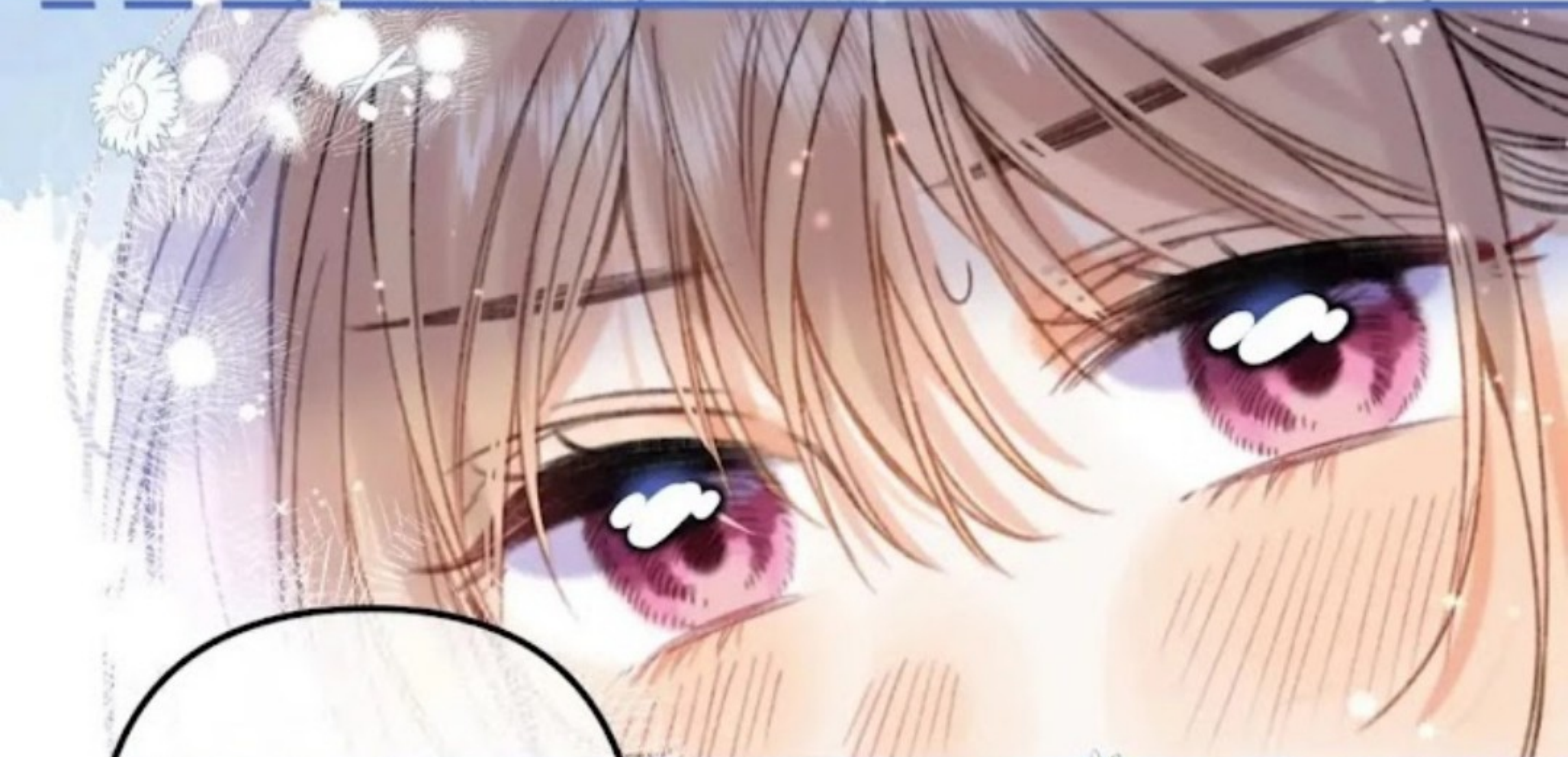


pull

...عا، يادم رفت
کمر بندمو ببندم.







داری چیکار
می کنی؟

هیچی.



بیا
اول بپرمت یه
چیزی بخوریم،

بعد می برمت
فرودگاه.

برادر،

تعطیلات
می خواهی چیکار
کنی؟

تو خونه بر نامه
سال نو رو بشینم
بینم؟

بعدش منتظر پیام
تبریک سانگ ژی
کوچولو بمونم.



چرا داری ادای
پدپختارو
درمپاری.



امسال ۲۶
ساله میشی،

دیگه وقتشه یه
دوست دختر برای
خودت جور کنی،
هر وقت وقت داشتی~

از کجا جور
کنم اونوقت؟

چی؟ نکنه سانگژی
کوچولو می خواد یکیو
بهم معرفی کنه؟

کیو معرفی
کنم؟

اینایی که می شناسم
همه شون همسن و
سال منن.



همسن و
سال تو؟

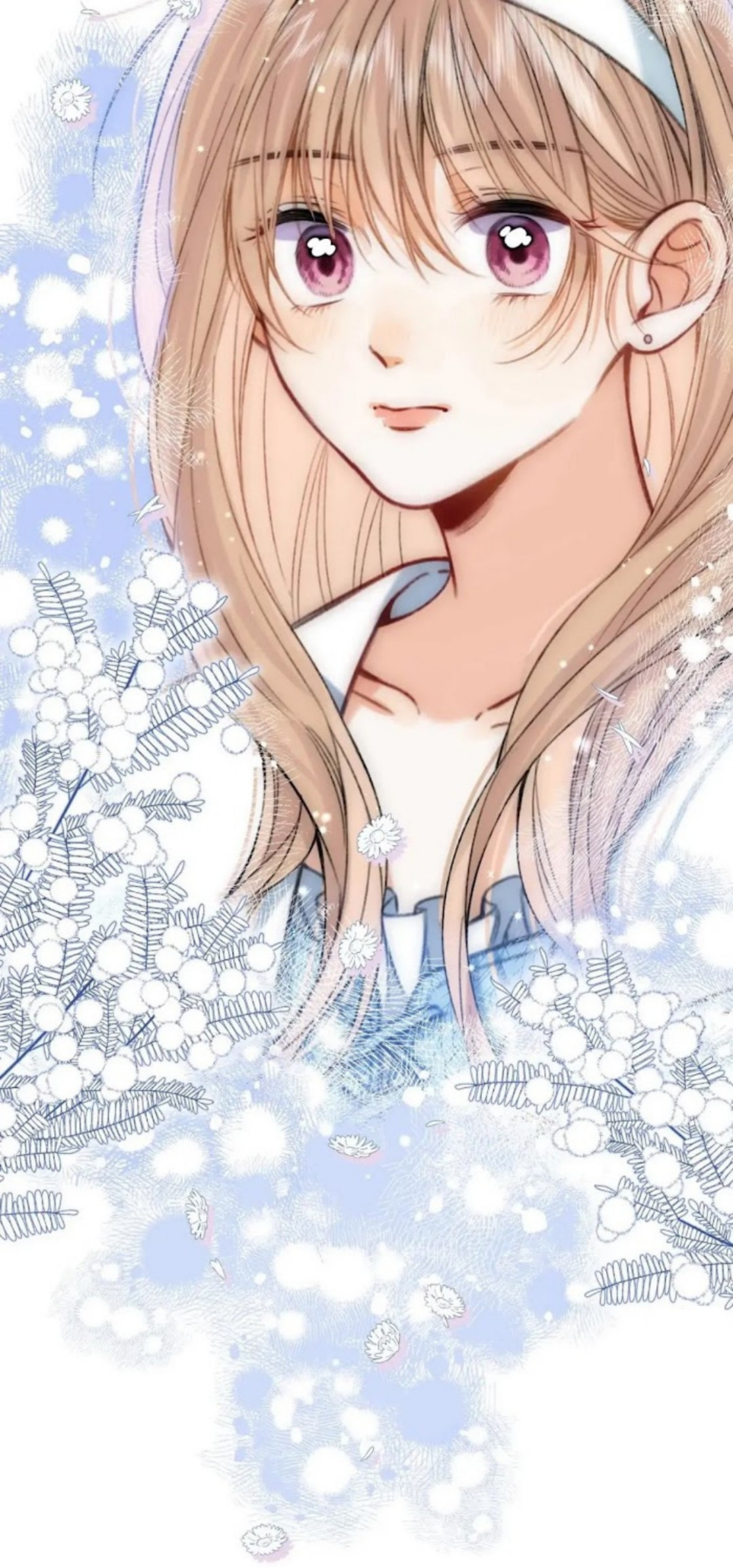
.....



خدایا دوباره نه، الان حتماً به
چیزی تو مایه‌های "پچه" یا
"دوست کوچولو" یا مچیم
هرچی می‌خواد بگه، اون...



من باهش
مشکلی ندارم.



وقتی مسورت

وقتی دو آن جیاسورتفت:
«من باهاس مشکلی ندارم.»
منظورس چی بود؟

الف) فقط یکی دیده از اون حرفاشه که بچویی میزنه و داره گرم میپزیزه.
ب) منظور خاصی نداشت قطعاً.
ج) تا وقتی ژبی باشه مشکلی باسن نداره.



ادامه دارد...

سلام

این فایل که هم‌اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

آئویی سکای

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به مانهوا
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آئویی سکای فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی رویکا، سروش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام‌رسان‌های داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدونید بدون اجازه‌ی تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/aoisekai)